

عَلَيْهِ السَّلَامُ

# حضرت مهدی محبوب پاکان

خدایم را سلام

## محبوب پروردگار

بدون تردید، اساس تمام دوستیها خداوند است و هر آنکس که دوست خداست؛ محبوب قلبهای پاک نیز هست. از این رو در ابتدا روایتی را که در آن خداوند محبت خویش را نثار آخرین امام معصوم علیه السلام نموده است به گوش جان می شنویم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَفْتَ فِي الْأَرْضِ فِي أُمَّتِكَ؟ - وَهُوَ أَعْلَمُ بِذَلِكَ - قُلْتُ يَا رَبِّ أَخِي. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟ قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَبِّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا

فَلَا أُذْكَرُ حَتَّى تُذَكَّرَ مَعِيَ فَأَنَا الْمَخْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً أُخْرَى فَأَخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَجَعَلْتُهُ وَصِيَّتِكَ فَأَنْتَ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَعَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ؛ همانا خدای عزوجل در آن شب که به گردش شبانه برده شدم (معراج) به من وحی فرمود: ای محمد! چه کسی را در زمین میان امتت به جای خود گذاشتی؟! - در حالی که خود بدان آگاه تر بود. - عرض کردم: پروردگارا! برادرم را. فرمود: ای محمد! علی بن ابیطالب را؟ عرض کردم: بلی ای خدای من! فرمود: ای محمد! من از ابتدا از فراز عرش نظری بر زمین افکندم و تو را از آن اختیار کردم،

انبیاء و آخرین فرستاده الهی، دارای مقام و منزلتی بس رفیع و بلند در نظام آفرینش است و همانگونه که در روایت پیشین اشاره شد؛ خداوند محبت حضرت مهدی علیه السلام را به آن حضرت توصیه فرموده بود؛ بنابراین جای شگفتی نیست که حضرتش در باره آخرین جانشین خود از بزرگترین واژگان محبت آمیز؛ یعنی «بِأُمِّي وَأُمِّي = پدر و مادرم فدای او» بهره برده باشد، آنجا که می فرماید: «بِأُمِّي وَأُمِّي سَمِيَّتِي وَشَبِيهِي وَشَبِيهِي مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ حُبُّوْبُ النَّوْرِ...<sup>۱</sup>؛ پدر و مادرم فدایش باد که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نورهایی احاطه دارد.»

دامنه علاقه به حضرت مهدی علیه السلام به جایی رسیده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ انکار مهدی علیه السلام را همچون انکار خود دانسته و فرمودند: «مَنْ أَنْكَرَ

هیچگاه یادی از من نشود مگر اینکه تو نیز با من یاد کرده شوی. من خود محمودم و تو محمد، سپس نظری دیگر بر زمین افکندم و از آن علی بن ابیطالب را برگزیدم و او را وصی تو قرار دادم؛ پس تو آقای پیامبران و علی آقای اوصیاء است.»

در ادامه این گفتگو، رسول گرامی اسلام پس از توصیفاتی درباره فرمایش خداوند پیرامون امامان معصوم علیهم السلام، و بعد از آنکه انوار پاک ائمه اطهار را می بیند، در بخشی دیگر از کلام خود می فرماید: «عرض کردم: پروردگار من! اینان چه کسانی اند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این یک نیز قائم است که حلال کننده حلال من و حرام دارنده حرام من است و از دشمنان من انتقام خواهد گرفت.»

پس خداوند فرمود: «يَا مُحَمَّدُ! أَحِبِّه فَاَتِي أَحِبُّه وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّه<sup>۱</sup>؛ ای محمد! او را دوست بدار که من او را دوست می دارم و هر کس که او را دوست بدارد نیز دوست می دارم.»

### ■ محبوب پیامبر خدا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اشرف

۱. ابن ابی زینب، غیبت نعمانی، مکتبه الصدوق، ص ۹۳، ح ۲۴.

۲. علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، انتشارات بیدار، قم، ص ۱۵۶.

نقل فرموده است - چنین آمده که بین علی علیه السلام و عمر بن خطاب سخنانی رد و بدل شد. عمر گفت: «أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ مَا اسْمُهُ؟ فَقَالَ عليه السلام: أَمَّا اسْمُهُ فَإِنَّ حَبِيبِي عَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا أَحَدٌ بِنَسَمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ. قَالَ [عمر] فَأَخْبِرْنِي عَنِ صِفَتِهِ قَالَ: هُوَ شَابٌ مَرْبُوعٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الشَّعْرِ يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكِبَيْهِ وَنُورٌ وَجْهَهُ يَغْلُو سَوَادَ لِحْيَتِهِ وَرَأْسُهُ بِأَيْبِ ابْنِ خَيْرَةَ الْأَمْيَاءِ؛<sup>۱</sup> از مهدی به من خبر ده که نامش چیست؟ فرمود: اما درباره اسم او؛ حبیبم با من عهد کرده که درباره آن با کسی صحبت نکنم تا اینکه خداوند او را برانگیزد. عمر گفت: پس درباره صفت او به من خبر ده؟ حضرت فرمود: او جوانی

القَائِمِ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛<sup>۱</sup> هر آنکس که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است.» و هشتمین پیشوای شیعیان به نقل از پدران خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «بِأَيْبِ ابْنِ خَيْرَةَ الْأَمْيَاءِ؛<sup>۲</sup> پدرم فدای فرزند بهترین کنیزان عالم باد.»

### محبوب امیرالمؤمنین علیه السلام

آنگاه که نگاه تیزبین علی بن ابیطالب علیه السلام اعصار و قرون را در نوردید؛ زمان آخرین امام را نظاره می کند و چنین می فرماید: «فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِنْ لَبِدُوا فَالْبِدُّ وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَانصُرُوهُمْ فَلْيَفَرِّجَنَّ اللَّهُ بَعْتَهُ بَرَجُلٍ مِمَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. بِأَيْبِ ابْنِ خَيْرَةَ الْأَمْيَاءِ؛<sup>۳</sup> شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید، اگر آنها ساکت شدند و در خانه نشستند شما نیز سکوت کرده به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند به یاری آنها بشتابید که البته خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.»

در روایتی دیگر - که امام باقر علیه السلام

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، دارالکتب الاسلامیه، قم، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۳۹.  
 ۲. شیخ کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۲۳.  
 ۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۱۸ و ج ۴۱، ص ۳۵۳ و ج ۵۱، ص ۱۲۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ج ۷، ص ۵۸.  
 ۴. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، مؤسسه معارف اسلامی، ص ۴۷۰؛ علی بن عیسی اربلی کشف الغمه، مکتبه بنی هشام، تبریز، ۲ جلد، ج ۲، ص ۴۶۲.

السَّمَاءُ مَعْرُوفَةٌ وَفِي الْأَرْضِ مَعْهُوْلَةٌ<sup>۳</sup>؛ آگاه باشید! آنان که پدر و مادرم فدایشان باد؛ از کسانی هستند که اسامی آنها در آسمان معروف و در زمین ناشناخته است.»

#### بیانات محبت آمیز امام باقر علیه السلام

ابوحمزه ثمالی می گوید: «روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم، چون کسانی که نزد آن حضرت بودند، متفرق شدند؛ آن حضرت فرمودند: «إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْحَارِثِيِّ الْمَخْتُومِ الَّذِي حَتَمَهُ اللَّهُ قِيَامَ قَائِمِنَا فَمَنْ شَكَ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ كَافِرٌ بِهِ وَجَاهِدْ لَهُ؛ ثُمَّ قَالَ: يَا بِي وَأَمِّي أَلْمَسْتُمْنِي بِإِسْمِي أَلْمَكْنِيِّ بِكُنْيَتِي السَّابِعِ مِنْ بَعْدِي<sup>۴</sup>؛ ای ابا حمزه! یکی از امور حتمی که خداوند آن را حتمی ساخته است؛ قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه می گویم تردید کند؛ در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار

چهارشانه، نیکو صورت و نیکو مو است که موهایش بر شانه هایش فرو ریخته و نور صورتش سیاهی موی سر و ریش را تحت الشعاع قرار می دهد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است.»

و در کتاب شریف غیبت نعمانی ضمن نقل روایتی آمده است که وقتی علی علیه السلام صفات حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و فرمود: «سَوْقًا إِلَيَّ رُؤْيَتِهِ<sup>۱</sup>؛ چقدر به دیدار او مشتاقم.»

مرحوم کلینی در روایتی از آن حضرت نقل کرده که شدت محبت به حضرت مهدی علیه السلام باعث شده تا اشتیاق به دیدن یاران و دوستداران او نیز مورد توجه حضرتش قرار گیرد؛ در آنجا که می فرماید: «يَا سَوْقًا إِلَيَّ رُؤْيَتِهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ ذَوَلَّتِهِمْ<sup>۲</sup>؛ چقدر مشتاق دیدار آنها هستم، در آن زمان که در ظهور دولتشان به سر می برند.»

و شسبیه همین مضمون را در نهج البلاغه اینگونه آورده است:  
«أَلَا يَا بِي وَأَمِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ أَسْمَائِهِمْ فِي

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، کتاب الغیبة، مكتبة الصدوق، ص ۲۱۲، ح ۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵، باب ۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالصعب دارالتعارف، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۳. نهج البلاغه، خ ۱۸۷.

۴. نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۸۶.

بر روی خاک نشسته بود و لباسی پشمین بر دوش انداخته و بسان مادری جوان مرده با سوز تمام می‌گریست؛ به گونه‌ای که آثار حزن و اندوه سراسر وجود مبارکش را فرا گرفته بود و اشک بر پهنای صورتش جاری بود و چنین می‌فرمود: «سَيِّدِي غَنِيَّتَكَ نَفَتْ رِقَادِي، وَصَيِّفَتْ عَلَيَّ مَهَادِي وَابْتَرَّتْ مِيَّتِي رَا حَةَ قُوَادِي. سَيِّدِي غَنِيَّتَكَ أَوْصَلَتْ مَصَائِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَقَفَّدَ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ بِفَنَاءِ الْجَمْعِ وَالْعَدَدِ فَمَا أَحْسِبُ بِدَمْعَةٍ تَرْقَأُ مِنْ عَيْنِي وَأَتَيْنُ تَقَشُّاً مِنْ صَدْرِي؟ سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، خاطر مرا پریشان ساخته، آرامش دلم را از من سلب نموده است. سرور من! غیبت تو مصیبت‌های مرا به مصیبت‌های دردناک همیشگی متصل ساخته و از دست دادن [یاران] یکی بعد از دیگری را به نابودی اجتماعات و افراد کشانده است. [بلاها و سختیها، رنجها و اندوهها آنچنان بر دلم سنگینی می‌کند که] دیگر اشک دیده و فریادهای سینه‌ام را احساس نمی‌کنم.»

کسندند اوست. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه همان من و هم‌کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می‌باشد.»

### ارادت امام صادق علیه السلام

حقیقتاً حضرت صاحب الامر علیه السلام را چه شأن رفیعی است که اینگونه معصومین بزرگوار نسبت به ایشان اظهار محبت و علاقه می‌کنند. این شیدایی گاهی برخی ائمه را به گونه‌ای واله کرده که نه تنها سخن از عشق و محبت می‌گویند؛ بلکه اظهار ارادتی خالصانه دارند.

خلاد بن صفار می‌گوید: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ علیه السلام؟ فَقَالَ: لَا وَكُنُو أَدْرَكْتُهُ لِحَدِيثِهِ آيَامَ حَيَاتِي؛ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا قائم به دنیا آمده است؟! حضرت فرمودند: خیر! اگر او را درک کردم در ایام زندگانیم خدمتگذار او خواهم بود.»

این اظهار ارادت در روایتی دیگر نیز چنین انعکاس یافته است: سدید صیرفی می‌گوید: من، مفضل بن عمر، داود بن کثیر رقی، ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان امام صادق علیه السلام وارد شدیم؛ پس آن حضرت را در حالی بس عجیب دیدیم که

۱. همان، ص ۲۴۵.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ص ۱۶۷.

سر نهاد و برای فرج قائم آل محمد علیهم السلام  
دعا فرمود: «وَصَّعَ الرَّضَا علیه السلام يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ  
وَتَوَاضَعُ فَأَيْمًا وَدَعَى لَهُ بِالْفَرَجِ ۳»

و سخن را با این ابیات به پایان  
می بریم که زبان حال همه مشتاقان  
حضرت اوست.

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من  
کجایی ای گل شب بوی بی نشانی من؟  
غزل برای تو سر می برم عزیزترین!

اگر شبانه بیایی به میهمانی من  
چنین که بوی تنت در رواقها جاریست  
چگونه گل نکند بغض جمکرانی من؟!  
عجب حکایت تلخی است نا امید شدن  
شما کجا و من و چادر شبانی من؟!  
در این تغزل کوچک سرود من ای خوب!

خدا کند که بخندی به ناتوانی من  
به پای بوس تو، آئینه دست چین کردم  
کجایی؟ ای گل شب بوی بی نشانی من! ۴

در روایتی شگفت‌انگیزتر،  
ششمین آفتاب فروزان سپهر ولایت و  
امامت چنین فرموده‌اند:

«إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي  
لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ ۱؛ به درستی که اگر من آن  
روز را درک می کردم؛ جانم را برای صاحب  
این امر (امام زمان علیه السلام) نگه می داشتم.»  
گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را

ای نور دیده! جان و دل اهدا کنم تو را  
شیدایی امام هشتم علیه السلام

اگر چه اظهار محبت و ارادت  
انوار مقدس و پاک اهل بیت علیهم السلام افزون  
بر آنچه آمد می باشد، ولی کلام را با دو  
حدیث شیدایی از هشتمین پیشوای  
شیعیان به انجام می بریم که فرمود:  
«بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي سَمِعْتُ جَدِّي وَشِبْهِي وَشِبْهَةَ  
مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ۲؛ پدر و مادرم فدای او  
که همانم جدم و شبیه من و شبیه موسی  
بن عمران است باد.»

و در روایتی آمده است که وقتی  
دعبل خزاعی، قصیده‌ای بر امام  
رضا علیه السلام خواند که در فرازهایی از آن  
اشاره به حضرت مهدی علیه السلام شده بود؛  
حضرتش به احترام ذکر مقدس نام آن  
حضرت، متواضعانه برخاسته دست بر

۱. نعمانی، کتاب الغیبة، ص ۱۴۵.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲،  
ص ۶؛ با اندک تفاوتی دلایل الامامه، ص ۲۴۵؛  
غیبت نعمانی، ص ۱۸۰؛ کمال الدین، ج ۲،  
ص ۳۷۰.

۳. لطف الله صافی، منتخب الاثر، مؤسسة السیدة  
المعصومة، ص ۶۴۰، ح ۳.

۴. سعید بیابانکی.